

نگاهی به نخستین تفسیر جامع و کامل جهان تشیع مروری بر کتاب «شیخ طوسی و تفسیر تبیان»

طاهره غلامی

کمپانی زارع، مهدی، شیخ طوسی و تفسیر تبیان، تهران: مؤسسه خانه کتاب، ۱۳۹۰.

تا به جایگاه او در مقام مفسری مبدع پی برد. نویسنده کتاب شیخ طوسی و تفسیر تبیان کوشیده تا ضمن تشریح زمانه شیخ، جایگاه تفسیر تبیان را در تاریخ تفسیر شیعه نشان دهد و امتیازات آن را برشمرد و ابعاد تفسیر وی را بیان کند. وی این مطالب را طی پنج فصل مورد کاوش قرار داده است. در فصل نخست نویسنده به تبیین خطوط اصلی زندگی شیخ طوسی و معرفی اجمالی آثار وی و نیز بیان جایگاه علمی او پرداخته است. قسمت عمده حیات فکری شیخ در بغداد سپری می‌شود و از این رو نویسنده می‌کوشد با ترسیم وضعیت فرهنگی و مذهبی این شهر جایگاه شیخ را تشریح نماید. در این شهر بود که شیخ به محضر بزرگانی چون شیخ مفید، سید مرتضی و عیبالله بن غضائری شتافت و از دانش ایشان بهره برد. نویسنده نشان می‌دهد که وی پس از شیخ مفید و سید مرتضی به زعامت جهان تشیع رسید و در محله کرخ بغداد که محله‌ای شیعی نشین بود اقامت گزید و به رتق و فتق امور شیعیان پرداخت. او در علوم اسلامی از هر لحاظ از سرآمدان عصر خود به شمار می‌آمد و در علوم چون فقه، تفسیر، کلام، اصول، رجال و حدیث، تبخّر ویژه ای داشت و شاگردان متعددی از فرق و نحل گوناگون اسلامی را در حلقه گسترده درس خود جای داده بود. نقل‌ها گواه بر آن است که شاگردان شیعی وی بیش از سبقتن مجتهد و شاگردان غیر شیعی وی بیرون از شمار بوده است.^۱ نویسنده همچنین به اهمیت شیخ در اداره دارالعلم شاپور

تفسیر تبیان شیخ طوسی بی هیچ اغراقی سرفصل تازه‌ای در تفسیرنویسی در جهان اسلام است. این اثر نخستین تفسیر کامل و جامع قرآن کریم در میان دانشمندان شیعی است. تفاسیر پیش از آن به ویژه در جهان تشیع نه کامل بودند؛ به این معنا که شامل تمام آیات قرآنی نمی‌شدند و نه جامع، که تنها به برخی ابعاد تفسیر از جمله ابعاد لغوی، روایی آیات می‌پرداختند. در این تفسیر هر چند ایجاز عامدانه مؤلف مشهود است؛ اما تمام سُور و آیات، مورد بررسی قرار می‌گیرد. شیخ طوسی در این تفسیر تمام دانش‌های مربوط به تفسیر را در فهم آیات به کار می‌گیرد. تزلزل وی به دانش‌های گوناگون مجالی را برای وی فراهم کرده بود که با تسلط خیره‌کننده ای، گره‌های بسیاری را از فهم مخاطبان کتاب الهی باز کند. هر چند امروزه با تفاسیری که هم کامل و هم جامع باشند بسیار روبرو می‌شویم، اما بایستی موقعیت تاریخی شیخ طوسی و کارنامه مفسران پیش از وی را توریق کنیم تا عظمت کار شیخ را دریابیم. امروزه هنگامی که از تفسیر قرآن سخن می‌رود بلافاصله تفاسیری در نظر می‌آید که از ابتدای قرآن تا انتهای آن را شامل می‌شود و لغت، قرائت، نکات ادبی، علمی و ... در آن موجود است و البته متناسب با مشرب فکری گوینده به برخی مباحث بیشتر پرداخته شده است. اما این تلقی و توانایی برای بسیاری در زمانی که شیخ طوسی به نوشتن تبیان پرداخت، وجود نداشت. از این رو باید موقعیت وی را در تاریخ تفسیر با تلاش‌های پیشینیان وی مقایسه کرد

اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که بسیاری از غیر مسلمانان و غیر شیعیان در این محل تحت مدیریت شیخ طوسی به امور علمی مشغول بودند. چهره‌ای که از شیخ در این فصل ترسیم می‌شود، چهره دانشمندی ذوالفنون و با اخلاق است که سعه مشرب بسیار دارد. یکی از نشانه‌های این سعه مشرب را می‌توان در مواجهه وی با فرق اهل تسنن و مخالفانی چون ابوالعلا معری دید. شیخ پس از آشوب بغداد ناگزیر به مهاجرت به نجف اشرف شد. نویسنده در این باب معتقد است که این دوره از حیات شیخ طوسی در نجف اشرف نه تنها برای وی بلکه برای جهان تشیع سرآغاز دوره‌ای شکوهمند و قابل توجه بوده است. از منظر وی عمده‌ترین تأثیر تاریخی شیخ بر کل تاریخ تشیع با تأسیس حوزه علمیه نجف شکل گرفت. پیش از شیخ طوسی هیچ‌گاه به طور فراگیر مدارس علمی به نحو متمرکز با مدیریت واحد و روش تدریس معین در جهان تشیع شکل نگرفته بود. هر چند دارالعلم‌های متعددی چون دارالعلم ابن سوار در بصره؛ دارالعلم شریف رضی و نیز دارالعلم شاپور در بغداد وجود داشتند؛ اما مدرسه علمیه و شاگردپروری و تدریس در سطح گسترده با مراکز تحقیقاتی که عمدتاً محل گرد آمدن نخبان و دانشمندان توانا در فنون مختلف است؛ متفاوت است.

به بیان نویسنده شیخ توانست علاوه بر نگارش کتب متعدد در علوم مختلف و تربیت شاگردان فراوان، پراکندگی دانشمندان را به جمعیت مبدل کند. عالمان اسلامی شیعه تا پیش از شیخ طوسی هر چند به جهت هم‌جواری با حرم امن علوی از پاره‌ای آسیب‌ها در امان بودند؛ اما همواره تحت تعقیب و ایذاء امویان و عباسیان قرار می‌گرفتند و از این و نمی‌توانستند موجودیت خود را به نحو علنی اعلام دارند و بی‌دغدغه به تحقیق و تدریس بپردازند. حضور شیخ در نجف به این نقطه رونق بسیاری داد. تا پیش از حضور شیخ نجف قریه‌ای بیش نبود و هرچند برخی از سلاطین آل بویه با تمهیداتی می‌کوشیدند که آنجا را به شهر مبدل کنند، لیکن تعداد اندک ساکنان ثابت آن مانع چنین امری می‌شد. شیخ با مرکزیت علمی‌ای که برای این منطقه ایجاد کرد جمع کثیری از اهل علم و خانواده‌های ایشان را در آنجا اسکان داد و اندک اندک برطرف کردن نیازهای اهل دانش، مناسبات شهری را در آنجا گسترش داد^۱ پس از این نویسنده آثار شیخ را در نه‌گروه دسته‌بندی می‌کند و اهمیت کتب هر حیطه را به اجمال شرح می‌دهد.

در فصل دوم نویسنده به بیان مباحثی کلی در باب تفسیر تبیان می‌پردازد. وی ابتدا به بیان جایگاه این تفسیر در تاریخ تفسیر پرداخته و نشان داده که این تفسیر نخستین تفسیر کامل و جامع در جهان تشیع است که نسبت به تفاسیر پیش از خود پیشرفت قابل توجهی به شمار می‌آید. بیشترین تفاسیر

پیش از تبیان جنبه روایی دارند. مفسران در این کتاب‌ها از حضرات معصومین احادیثی را ذیل برخی آیات نقل می‌کنند و در برخی مواضع با علایق شیعی خود به فضایل اهل بیت علیهم السلام توجه می‌نمایند و در اکثر موارد تفاسیر خالی از تدقیقات لغوی، ادبی، فقهی، کلامی و ... می‌باشند. حتی در این تفاسیر محکمات آیات کمتر مورد استناد قرار می‌گیرند و آنقدر که به روایات توجه می‌شود، آیات در فرآیند تفسیر غائبند. یکی از خصایص شگفت‌آور این تفاسیر آن است که مفسران ابایی از نقل احادیث احیاناً شبهه‌انگیز از حیث محتوایی، و مجعول از حیث سند، ندارند. مثلاً برای اثبات اینکه نام ائمه معصومین علیهم السلام در قرآن کریم بوده و توسط دشمنان ایشان از کتاب الهی حذف شده، احادیثی را در تحریف قرآن بیان می‌کنند که عمیقاً مورد انتقاد علمای حدیث شناس شیعی از جمله شیخ طوسی است.

یکی دیگر از خصایص تفاسیر پیش از تبیان غیر انتقادی بودن آن‌هاست. تفاسیر پیش از شیخ طوسی تنها در مقام بیان مواضع مذهبی و فرقه‌ای مفسر بوده‌اند و بحث و بررسی آرای مفسران و اسلام‌پژوهان دیگر در تفاسیر ایشان جایگاهی ندارد. در مقابل این مشی، شیخ طوسی عمیقاً به بحث و بررسی دیدگاه‌های مفسران و اسلام‌شناسان دیگر عنایت داشته و بسیاری از خطاهای ایشان را در ضمن تفسیر آیات کتاب الهی روشن می‌کند. شیخ در این باب دیدگاه‌های تفسیری‌ای که به مکاتب کلامی مختلف در تاریخ فرهنگ اسلامی تعلق داشته و یا احیاناً نظریه‌ای مستقل از تفسیر قرآن در نوشته‌های بزرگان فرق و نحل دیگر بوده و ماهیتی شبهه‌آمیز داشته، با قوت تمام مورد نقادی قرار می‌دهد و اشکالات آن را برمی‌شمرد. یکی دیگر از تفاوت‌های این تفسیر با تفاسیر پیش از آن در استفاده از میراث‌های ادبی فرهنگی‌ای است که می‌تواند مفسر را در فهم دلالات کلام الهی یاری رساند. قرآن کریم متنی است که در تاریخ فرهنگ و ادب اعراب نازل شده است و از آنجا که مخاطبان آن را می‌فهمیده‌اند؛ لاجرم بایستی برای فهم و تفسیر آن به ابزارهای مخاطبان آن مسلح شد. ابزارهای آن نیز استفاده از نثر و شعر دوران جاهلیت و عصر اسلامی است. در تفاسیر پیش از تبیان استفاده از متون عرب پیش از اسلام، به ویژه اشعار دوره جاهلیت و نیز شاعران مخضرمون (که هم در جاهلیت و هم در اسلام شعر گفته‌اند) جایگاهی ندارد؛ لیکن شیخ طوسی با احاطه‌ای شگفت‌انگیز بر اشعار مذکور، بسیاری از مشکلات تفسیری را حل می‌کند و به مفسران پس از خود اهمیت این میراث ادبی را می‌نماید؛ چنانکه امین الاسلام طبرسی در مجمع‌البین، که یکی از مهم‌ترین تفاسیر جهان اسلام و عالم تشیع است، راه شیخ را در این وادی می‌پیماید.^۲

نویسنده معتقد است این تفسیر در میان تفاسیر پیش از





آیات را کسی که صاحب زبان مورد خطاب است می‌فهمد.
۳. آیات مجملی که ظاهرشان بیانگر تفصیل معنایشان نیست. این آیات را باید از پیامبر (ص) و معصومین علیهم السلام آموخت. اجتهاد در این موارد راهی ندارد و نمی‌توان آن را از مفسران تقلید کرد، مگر اینکه در میان مفسران در این باب اجماعی باشد. شیخ تفصیل اعداد نماز و رکعات آن و تفصیل مناسک حج و شروط آن و مقادیر نصاب در زکات را از این دسته آیات می‌داند.

۴. آیاتی که در آن‌ها واژه ای دارای دو یا چند معنای محتمل است. در اینجا باید بگوییم که ظاهر آیه چند وجه مختلف را تحمل می‌کند؛ مگر اینکه دلیلی از جانب پیامبر (ص) یا معصومین داشته باشیم در صحت یکی از وجوه آن. پس از این نویسندگان به بحث از مکان و زمان تألیف این

تفسیر می‌پردازد. وی با نقل از نسخه ای خطی بیان می‌دارد که کار تدوین کتاب در سال بیست و یکم ماه رجب ۴۴۱ ق به پایان رسیده است.^۶ وی در پایان این فصل به بیان مختصات تفسیر تبیان می‌پردازد. به بیان وی تفسیر تبیان تفسیری است متوسط و ابعاد مختلفی را شامل می‌شود و تمام آیات قرآنی را در بر می‌گیرد و در نهایت ایجاز به رشته

تحریر درآمده است. ترتیب وی در تفسیر بدین گونه است که ابتدا آیه را ذکر می‌نماید؛ سپس لغات غریب آن را بررسی و اختلاف قرائت را بیان می‌نماید و پس از آن به بیان و بررسی آراء و اقوال مختلف در تفسیر آیه می‌پردازد و نظر خود را به صورت مختصر ابراز می‌کند. همچنین نکات فقهی، کلامی، بلاغی و ... متناسب با آیات بیان می‌شود. نویسنده معتقد است یکی از اموری که در این تفسیر مشهود است ادب علمی شیخ می‌باشد. وی در حالی که به نقد و بررسی علمی دیدگاه‌های فرق و نحل مختلف می‌پردازد، به هیچ روی از به کار گرفتن تعابیر غیر علمی در جهت تحقیر و تحقیر دیگران استفاده نمی‌کند. نویسنده تشریح می‌کند که وی در این تفسیر موجز حتی بحث از تاریخ امام پیشین و قصص مربوط به آنان را مورد توجه قرار می‌دهد و نظرات خود را در باب صحت و سقم برخی نقل‌ها بیان می‌کند. به اعتقاد نویسنده یکی از نکات قابل توجه در این تفسیر اختصار افزون‌تر مطالب از جزء

خود جهشی قابل توجه به شمار می‌آید و برای تفاسیر پس از خود الگویی تمام عیار است. وی پس از این به بیان روش شیخ طوسی در تفسیر می‌پردازد. نویسنده روش شیخ را روش اجتهادی می‌داند و به بیان ویژگی‌های این روش تفسیری نزد او می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تفسیر اجتهادی شیخ از منظر نویسنده توجه وی به عقل و دستاوردهای آن است. شیخ طوسی بر آن است آیاتی چون «افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها» دلالت بر اهمیت عقل و به‌کارگیری آن در فهم قرآن دارد. وی از سوی دیگر با اشاره به حدیث ثقلین بیان می‌دارد که چگونه قرآن می‌تواند حجت در میان خلق باشد و از سوی دیگر قابل فهم و درک برای عقل انسانی نباشد. وی امر به عرضه سخنان معصوم به قرآن و ناشناختگی قرآن برای بشر را امری ناممکن می‌داند و صراحتاً اعلام می‌کند که

روایاتی که تنها راه فهم کتاب الهی را مراجعه به اخبار می‌داند؛ دچار اشکال جدی می‌باشند.^۴ به هر روی تفسیر اجتهادی‌ای که در تبیان مورد توجه شیخ طوسی است؛ تعادلی است میان تفسیر به رأی بی ضابطه و تفسیر به مأثور که مشکوک به عقل بشری است و خود را از آن مستغنی می‌داند. در تفسیر اجتهادی هم نقل ارج می‌بیند و هم عقل.

عقل به مفسر حکم می‌کند که برای رسیدن به مرحله ای مطلوب از احراز شایستگی جهت توانایی بر تفسیر کتاب الهی، علمی چند از جمله ادبی و بلاغی، اسباب و شأن نزول آیات، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مجمل و مبین، عام و خاص و بسیاری از این علوم را به خوبی فرا گیرد و تسلط کافی بر مباحث آن داشته باشد. کمترین کار عقل از نظر شیخ طوسی این است که اجمالاً فرد را به مواضع مطلوب وی برساند.^۵ شیخ طوسی معتقدست که برخی با سوء استفاده از احادیث مربوط به تفسیر به رأی راه را بر تدبر در قرآن بسته‌اند. وی معتقدست که معانی آیات قرآن از چهار حالت بیرون نیست که تنها دسته نخست آن از حیثه شناخت انسان خارج است. این چهار دسته عبارتند از:

۱. آیاتی که علم آن‌ها مخصوص حق متعال است. مثل آیاتی که در باب ساعت قیامت وجود دارد.
۲. آیاتی که ظاهرش مطابق با معنای درونی آن‌هاست. این



سیزدهم به بعد است. شیخ به هیچ روی در بررسی هجده جزء پایانی تدقیقاتی که در دوازده جزء نخستین نموده ارائه نکرده و این شاید ناشی از اوضاع نامساعد عصر وی و بیم از پایان نیافتن آن بوده است و شاید شیخ را گمان بر آن بوده که مخاطب با ارجاع به تفصیل دوازده جزء نخست تواناست بر فهم مابقی آن. این غث و سمین بودن امری نبوده که مخاطبان کلام شیخ آن را نیافته باشند و یکی از اشکالاتی که مرحوم طبرسی در مقدمه تفسیر خود بر این اثر اظهار می نماید همین مطلب است.^۷

در فصل سوم به منابع و مآخذ مورد رجوع شیخ در این تفسیر پرداخته می شود. نویسنده نه دسته از منابع را در این باب نام می برد و ذیل هر یک به تفصیل کتب محل رجوع شیخ را ذکر می کند. این منابع نه گانه بدین قرارند: ۱. روایات تفسیری منقول از پیامبر (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام ۲. منابع لغوی نحوی ۳. اشعار شعرای جاهلیت و مخضرمون ۴. آثار اصولی فقهی شخص شیخ طوسی ۵. تفاسیر نقلی شیعه ۶. تفاسیر روایی اهل سنت ۷. تفاسیر لغوی و ادبی اهل سنت ۸. تفاسیر کلامی شیعه ۹. تفاسیر کلامی معتزله

در فصل چهارم برخی مباحث علوم قرآنی مطرح شده در این تفسیر مورد بررسی قرار می گیرد. مباحثی که در این اثر به نحو تفصیلی بدانها پرداخته شده، عبارتند از «تحریف ناپذیری قرآن»، «تفسیر به رأی و رابطه آن با تدبیر در قرآن»، «محکم و متشابه» و «ناسخ و منسوخ». نویسنده در بحث از تحریف ناپذیری قرآن اظهار می دارد که شیخ طوسی در شناخت حدیث و علوم مربوط به آن از جمله روایت الحدیث و علم الرجال یگانه است و از این رو با بررسی احادیث مورد استناد حشویه و برخی از امامیه بیان می کند که همه این روایات که ناظر به تحریف لفظی کاهشی هستند خبر واحدند که نه علم آور است و نه موجب عمل و با قرآن و روایات صحیح و عقل نیز در تعارضند و اولی آن است که از چنین اخبار آحادی اعراض نماییم.^۸ در بحث از نسخ نیز نویسنده دیدگاه شیخ طوسی را این گونه تشریح می کند که تلقی شیخ از نسخ مانند بسیاری از مفسران واسع نیست و وی از همان ابتدا مرز نسخ در تکوینیات (بدا) را از نسخ در تشریعیات روشن می کند. تعریفی که وی از ناسخ در ابتدای بحث ارائه می دهد مبین این ادعاست. وی ناسخ را دلیل شرعی که بر زوال حکم ثابت منصوص دلالت دارد؛ تعریف می کند. وی در توضیح قید «شرعی» بیان می دارد که زوال حکم به واسطه دلیل عقلی را نسخ نمی دانیم؛ چنانکه ما از طریق دلیل عقلی، تکلیف را از برخی ساقط می دانیم؛ اما آن به هیچ روی نسخ نیست.^۹

در فصل پنجم به بحث از ابعاد تفسیر تبیان پرداخته می شود. در این میان تأکید نویسنده بیشتر بر بُعد کلامی تفسیر شیخ طوسی است، هر چند وی به بُعد ادبی لغوی و فقهی اصولی تفسیر نیز می پردازد. به بیان نویسنده از مشخصات صبغه کلامی این تفسیر توجه به عقاید و کلام شیعی است. شیخ در آیات توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد به صورت چشمگیری از روایات معصومین و عقاید شیعی استفاده می کند. وی در بحث از صفات حق متعال به عینیت صفات و ذات حکم می کند و اشاعره را مورد انتقاد جدی قرار می دهد. وی در برخی مباحث چون فسق، کفر، وعد و وعید و ... با معتزلیان وارد نزاع می شود و دیدگاه شیعیان را در این باب به کرسی اثبات می نشاند. به باور نویسنده آنچه در این تفسیر برجستگی ویژه ای دارد توجه فراوان شیخ به عقل و استدلال است. شیخ هر گونه تقلیدی را در مسائل عقیدتی کلامی تخطئه می کند و بیان می دارد که مسلمان بایستی از طرق مختلف به تحقیق در اصول دین خود بکوشد. او از اندیشیدن و خردورزی و نیز گفتگوی میان اندیشه های مختلف دفاع می کند. وی در مقابل اصحاب معارف معتقد است که معارف اکتسابی است و نه ضروری. وی معتقد است اگر معرفت بدیهی باشد دیگر تقلید از پدران معنا نداشته و باید هر کس خود عالم باشد نه مقلد. در حالی که آنان معترفند به اینکه از پدرانمان تقلید کرده ایم. در بحث از ابعاد دیگر این تفسیر نیز نویسنده برخی از موارد خاص را مورد بررسی قرار داده است که می توان آن ها را در متن اثر مورد مطالعه قرار داد.

منابع:

- طبرسی، مجمع البیان، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۵ ق
- طوسی، ابوجعفر. التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
- کمپانی زارع، مهدی. شیخ طوسی و تفسیر تبیان، تهران، خانه کتاب، ۱۳۹۰

پی نوشت ها:

۱. شیخ طوسی و تفسیر تبیان، ص ۱۱
۲. همان، ص ۱۸ - ۱۶
۳. همان، ص ۳۴ و ۳۵
۴. التبیان، ج ۱، ص ۵
۵. شیخ طوسی و تفسیر تبیان، ص ۴۴
۶. همان، ص ۵۱
۷. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳ و ۳۴
۸. شیخ طوسی و تفسیر تبیان، ص ۲۴
۹. همان، ص ۸۶

